

۳ شنبه ۵/۳/۱۴۰۵ - ۹ ذیحجه ۱۴۴۷ - ۲۶ مه ۲۰۲۶ - درس ۱۵۰ - فقه الروابط از فقه مدیریت رفتار سازمانی از فقه اداره از فقه معاصر - نقشه راه امام صادق ع در مصباح الشریعه - روابط اربعه - رابطه رابعه - معامله الدنيا - اصول سبعة - اصل دوم - الايثار بالموجود ۹ - فقه الحديث ۵ - لزوم نهادینه سازی فرهنگ ایثار در سازمان

❖ مسئله‌ی ۱۵۰: مدیران در فرآیند «مدیریت فرهنگ سازمانی» باید کارکنان را به خدمت مبتنی بر ایثار ترغیب نمایند تا این فضیلت به عنوان یک فرهنگ مطلوب به تدریج در مجموعه نهادینه شود
گفته شد دومین اصل از اصول هفت‌گانه‌ی تعامل کارکنان با دنیای سازمانی «الایثار بالموجود» است.^۱ برای فهم مراد از این اصل ابتدا به فقه اللغة پرداختیم، سپس نوبت فقه القرآن رسید و حال ادامه‌ی فقه الحديث:

فقه الحديث

صحيحه‌ی أبان بن تغلب: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ^۳، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ صَاحِبِ الْكَلَلِ^۴، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ^۵، قَالَ: كُنْتُ أَطُوفُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَعَرَّضَ لِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا كَانَ سَأَلَنِي الذَّهَابَ مَعَهُ فِي حَاجَةٍ، فَأَشَارَ إِلَيَّ، فَكَرِهْتُ أَنْ أَدَعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَذْهَبَ إِلَيْهِ، فَبَيْنَا أَنَا أَطُوفُ

^۱ وُ أَصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ سَبْعَةُ الْحَتْفِ وَالْجَهْدِ وَحَمْلُ الْأَدَى وَالرِّيَاضَةِ وَطَلَبُ الصَّدَقِ وَالْإِخْلَاصُ وَإِخْرَاجُهَا مِنْ مَحْبُوبِهَا وَرَبْطُهَا فِي الْفَقْرِ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةُ الْحِلْمِ وَالْعَفْوُ وَالتَّوَاضُعُ وَالسَّخَاءُ وَ الشَّقَقَةُ وَ التُّضَخُ وَ الْعَدْلُ وَ الْإِنْصَافُ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا سَبْعَةُ الرِّضَا بِالذُّوْنِ وَ الْإِيتَارُ بِالْمَوْجُودِ وَ تَرْكُ طَلَبِ الْمَقْفُودِ وَ بُعْضُ الْكُثْرَةِ وَ احْتِيَارُ الرُّهْدِ وَ مَعْرِفَةُ آفَاتِهَا وَ رَفْضُ شَهْوَاتِهَا مَعَ رَفْضِ الرِّئَاسَةِ فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَهِيَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ عِبَادِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَوْلِيَائِهِ حَقًّا. (امام جعفر بن محمد عليه السلام، مصباح الشریعه، ص. ۶)
^۲ الايثار بالموجود یعنی: در حدود امکانات خود بخشش و گذشت داشتن و در موارد خیر مصرف کردن. (همان، ترجمه‌ی مصطفوی، ص. ۴۵۸)

^۳ از اصحاب اجماع شمرده شده است. محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی آردی (درگذشته‌ی ۲۱۷ ق.)، معروف به ابن ابی عمیر محدث امامیه و از اصحاب اجماع در قرن سوم قمری است که محضر سه تن از امامان شیعه علیهم السلام را درک کرده است. بیشتر رجالیان روایات مرسل او را همانند روایات مسندش می‌پذیرند. روایانی که جزو اصحاب اجماع هستند مورد اعتماد علمای شیعه هستند. البته دیدگاه‌ها درباره‌ی میزان اعتماد به آنان متفاوت است و از اعتقاد به وثاقت خود این افراد تا ثقه دانستن هر کسی که این افراد از آنان روایت کرده باشند متفاوت است. این نظرات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: وثاقت تمام روایان سلسله‌ی سند: برخی ادعا کرده‌اند هر حدیثی که یکی از این افراد در سلسله سند آن باشند، حتی اگر آن حدیث، مرسل باشد، آن حدیث مقبول است. حتی بالاتر از این نیز ادعا شده است که هر سندی که این افراد در آن باشند، موجب توثیق همه روایانی می‌شود که در آن سلسله سند ذکر شده‌اند و دلیل این ادعا آن است که گفته شده: «اصحاب اجماع از کسی روایت نمی‌کنند مگر آنکه آن فرد ثقه باشد». آیت الله خوبی این ادعا را رد کرده و مدعی شده است این افراد بارها از فرد ضعیف روایت کرده‌اند. موثق بودن تمام روایات: برخی ادعا کرده‌اند چنانچه این افراد در سلسله‌ی سند حدیث باشند و سند حدیث نیز تام باشد، حتی اگر آدم فاسقی هم در آن سند باشد، آن روایت موثق قلمداد می‌شود. شیخ حر عاملی در اوایل فایده‌ی هفتم در آخر کتاب وسائل الشیعه هم همین مبنا را قبول کرده است. سید بحر العلوم نیز در الدرّة النجفیة ذیل ابن ابی عمیر همین مبنا را انتخاب کرده است. وثاقت خود اصحاب اجماع: برخی از علما از جمله آیت الله خوئی معتقدند اجماع بر وثاقت این افراد بوده است به این معنا که دروغ نمی‌گفته‌اند و درجه‌ی بالایی داشته‌اند؛ اما به این معنا نیست که تمام روایات منسوب به آنان مقبول باشد.

^۴ صاحب‌الکلال، أي کان یبیعها. و الکلال جمع کَلَّةٌ، و هی الستر الرقیق یخاط کاللبیت، یتوقی فیہ من البقّ و البعوض. و صوفة حمراء فی رأس الهودج. راجع: لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۹۴ (کلال). وعن جامع الرواة احتمال اتحادہ مع ابی علی صاحب الأئمّات من الکلال فالکلال جمع کلة بکسر الکاف وهو ستر رقیق کاللبیت یتقی به من البعوض والأئمّات ما یلقی علی الهودج شبه. وعن جامع الرواة احتمال اتحادہ مع ابی علی صاحب الأئمّات من الکلال فالکلال جمع کلة بکسر الکاف وهو ستر رقیق کاللبیت یتقی به من البعوض والأئمّات ما یلقی علی الهودج شبه... جامع الرواة و ایزاخة الإشتباهات عن الطّریق و الإسناد کتابی در علم رجال، به زبان عربی نوشته‌ی محمد بن علی اردبیلی، رجال‌شناس قرن یازدهم قمری است. اردبیلی با این کتاب، راهی برای شناخت روایان و تمییز مشترکات گشوده و مشکلات فراوانی را حل کرده است. او بعد از تأمل و بررسی شیوه‌های گوناگون، به این نتیجه رسید که از طریق تأمل در راوی و مروی عنه می‌توان ابهام موجود در نام روایان را زدود و چه بسا به هویت واقعی روایان پی برد. وی در این کتاب از بسیاری از روایان مجهول رفع ابهام کرده و اسانید متعدد به ظاهر مرسل را مسند ساخته و روایات ضعیف را از ضعف رها کرده است. تألیف جامع الرواة حدود ۲۰ سال طول کشید و سال ۱۱۰۰ ق. به پایان رسید. این کتاب، به سبب جامعیت و اشتغال آن بر رجال کتب اربعه، مورد استفاده فراوان عالمان و فقهای امامیه قرار گرفته است.

^۵ نجاشی روایتی را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که ایشان به وی گفته بود: در مسجد مدینه بنشین و در مسائل دینی مردم فتوا بده. من دوست دارم که افرادی مانند تو در میان شیعه من دیده شوند.

إِذْ أَشَارَ إِلَيَّ أَيضاً، فَرَأَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَقَالَ: «يَا أَبَانُ، إِيَّاكَ يُرِيدُ هَذَا؟» قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: «فَمَنْ هُوَ؟» قُلْتُ: رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، قَالَ: «هُوَ عَلِيٌّ مِثْلُ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ؟» قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: «فَادْهَبْ إِلَيْهِ» قُلْتُ: فَأَقْطَعُ الطَّوْفَانَ؟ قَالَ: «نَعَمْ» قُلْتُ: وَ إِنْ كَانَ طَوْفَانُ الْفَرِيضَةِ؟ قَالَ: «نَعَمْ». قَالَ: فَذَهَبْتُ مَعَهُ، ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ، فَسَأَلْتُهُ، فَقُلْتُ: أَخْبِرْنِي عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ، فَقَالَ: «يَا أَبَانُ، دَعُهُ لِاتْرَدَهُ» قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَلَمْ أَرَلْ أُرَدُّ عَلَيْهِ، فَقَالَ: «يَا أَبَانُ، تُقَاسِمُهُ شَطْرَ مَالِكَ». ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ، فَرَأَى مَا دَخَلَنِي، فَقَالَ: «يَا أَبَانُ، أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ ﷻ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْتِرِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ؟» قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَقَالَ: «أَمَا إِذَا أَنْتَ قَاسَمْتَهُ فَلَمْ تُؤْتِرْهُ بَعْدَ، إِمَّا أَنْتَ وَ هُوَ سَوَاءٌ، إِمَّا تُؤْتِرُهُ إِذَا أَنْتَ أَعْطَيْتَهُ مِنَ النِّصْفِ الْآخَرِ».^٦

وجه استظهار: آیا می شود به تنقیح مناط از این صحیح استظهار و استنباط نمود که مدیران عالی سازمان می توانند کارکنان را به ایثار امر کنند؟ کما این که امام صادق عليه السلام ابان بن تغلب را که از کارکنان ایشان محسوب می شود و تحت امر و شیعه و پیرو آن حضرت است امر کرد (قَالَ: «فَادْهَبْ إِلَيْهِ»)) که ظهور در الزام دارد، مخصوصاً فی المنظمات الا ان يقام القرينة على خلافه. یا این که این امر مخصوص ولی امر معصوم است، نه هر امیر و آمری؟ در پاسخ باید گفت که مدیریت فرهنگ سازمانی به عنوان پشتوانه‌ی رفتار سازمانی یکی از محورهای چهارگانه در ساختار موضوعی مدیریت است به غرض ایجاد معنویت در مجموعه. در این مدیریت، فرهنگ موجود طی فرآیندی به فرهنگ مطلوب تبدیل می گردد. یکی از فرهنگ‌های مطلوب فرهنگ ایثار است، به معنای تقدم دیگران بر خود. برای نهادینه شدن این فرهنگ باید فرهنگ‌سازی کرد، یعنی باید آموزش داد، تشویق کرد، گفتمان‌سازی کرد، اصرار و تکرار کرد تا فرهنگ مطلوب ایثار به جای فرهنگ نامطلوب استیثار و احتکار و... در مجموعه و جامعه جا بیفتد و دستور امام عليه السلام به ابان بن تغلب در این راستا قابل تبیین است. در حالیکه ابان طواف با امام را بر پاسخ ارباب رجوع ترجیح می داد، امام به او گفتند که رسیدگی به ارباب رجوع مقدم است بر طواف که نوعی عبادت مستحبی بلکه فریضه است. امام نه تنها او را به این ترجیح امر کردند، بلکه او را توصیه به ایثار مال به ارباب رجوع نمودند و فرمودند اگر مال خودت که حق خودت است نصف-نصف کنی، ایثار نکرده‌ای. باید نصف بیش تر را به او اختصاص دهی تا مشمول آیه‌ی شریفه‌ی «يؤثرون على أنفسهم، شوی. لذا در این جا یک امر است که «إذهب إليه»؛ برو به ارباب رجوع برس و بعد توصیه به ایثار است در مال در «الایثار بالموجود» که امام عليه السلام در مصباح الشریعة فرموده است. این جا هم راه کار آن را تعلیم می دهند. در صحیحی ابان بن تغلب امر به ایثار نشده است، بلکه ترغیب و تبیین به ایثار شده است: «فَقَالَ: «يَا أَبَانُ، تُقَاسِمُهُ شَطْرَ مَالِكَ». ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ، فَرَأَى مَا دَخَلَنِي، فَقَالَ: «يَا أَبَانُ، أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ ﷻ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْتِرِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ؟» قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَقَالَ: «أَمَا إِذَا أَنْتَ قَاسَمْتَهُ فَلَمْ تُؤْتِرْهُ بَعْدَ، إِمَّا أَنْتَ وَ هُوَ سَوَاءٌ، إِمَّا تُؤْتِرُهُ إِذَا أَنْتَ أَعْطَيْتَهُ مِنَ النِّصْفِ الْآخَرِ». و این همان فرهنگ‌سازی است که امر به خدمت‌گذاری می کند که الزام آور است برای کارکنان و توصیه به ایثار است که خدمت ایثارگرانه و مؤثرانه باشد؛ یعنی توأم با ازخودگذشتگی باشد. این نوع ایثار را تکلیف نکرده است، تجویز فرموده است و البته طبق یکی از فتاوای اخیر^٧ باید از مال شخصی چنین ایثار کند و نه از مال غیر و بیت المال. و کارکنان و مدیران هم جایز بلکه راجح و لازم است که کارکنان را به رفتار سازمانی ایثارگرانه ترغیب و تأکید نمایند، به دلیل این که ایثار فرهنگی

^٦ کلینی، الکافی (کتاب الحج، باب الرجل يطوف فتعرض له الحاجة أو العلة)، ح. ٧٥٤٦، بسند آخر عن أبي أحمد، عن أبي عبد الله عليه السلام، مع اختلاف؛ ابن بابويه، مصادقة الإخوان، ص. ٣٨، ح. ٢، مرسلًا عن أبان بن تغلب؛ فیض کاشانی، الوافی، ج. ٥، ص. ٥٦١، ح. ٢٥٧٨؛ حر عاملی، الوسائل، ج. ١٣، ص. ٣٨٣، ح. ١٨٠١٨، إلی قوله: «قال: نعم، فذهب معه»؛ مجلسی، البحار، ج. ٧٤، ص. ٢٤٨، ح. ٤٦؛ کلینی، کافی (ط دار الحدیث)، ج. ٣، ص. ٤٤١.

^٧ مسئله‌ی ١٤٦: کارکنان در مایحتاج شخصی مجازند بلکه مستحب و افضل است که همکار محتاج تر را در بهره‌مندی از آن بر خود مقدم دارند و لی در بهره‌مندی مایحتاج کارمندان سازمان که تحت امر و حقوق بگیر و واجب‌النفقه هستند مجاز به تقدم دیگران بر آنان نیستند.

مطلوب در نظام احسن اداری است که عقل و شرع دست یابی به آن نظام را مطلوب می دانند و تهیهی مقدمات این نظام که فرهنگ سازی است بر مدیران و کارکنان لازم است، فافهم.

فتحصل که مدیران در فرآیند «مدیریت فرهنگ سازمانی» باید کارکنان را به خدمت مبتنی بر ایثار ترغیب نمایند تا این فضیلت به عنوان یک فرهنگ مطلوب به تدریج در مجموعه نهادینه شود.^۸

^۸ درس ۱۵۰ فقه الروابط از سلسلهی فقه الاداره، ۹ شهر ذی الحجة ۱۴۴۷.